

این تفوق آذربایجانیها بخصوص در میان کارکنان مؤسسه خدمات عمومی «کلانتریان» که در آن کارها بمراتب دشوارتر و خشن تر بوده است بوضوح بیشتری بچشم می خورد . بنابراین بدون این که به این امر جنبه مطلق دهیم می توان به وجود نوعی سلسله مراتب در این قبیل مهاجرتها قائل شد: فارسی زبانان مناطق مجاور دریای مازندران و یا واحه های فلات مرکزی معمولاً به خدمات خانگی و مشاغل کوچک ولی دقیق که اشتغال به آنها به نوعی مهارت فنی و یا لااقل به نوعی کارآموزی نیازمند است ، روی می آورند. دستورزان جنوب شهر که صاحب دکه ای هستند تقریباً جملگی فارسی زبانند . باغبانان شمال شهر نیز از همین قماشند و علی الخصوص غالب آنها رانظنزیها تشکیل می دهند . کارگران غیر متخصص و عمده ها و دستفروشان دوره گرد معمولاً آذربایجانی هستند . از همین منشأند عدۀ زیادی از طووفان خیابانهای بزرگ و مراکز تجاری شهر . هرچند بخشی از کارکنان مؤسسات ساختمانی را مهاجران فصلی تشکیل می دهند با این همه هجوم آذربایجانیها به تهران فوق العاده است. شماره آنها سه صدها و گاهی به هزاران نفر می رسد و به ظن قوی اظهار این رأی که آذربایجانیان در میان لایه های اجتماعی فرودست تهران ، برتری عددی مطلق دارند مبالغه آمیز نخواهد بود. سهم سایر مناطق مانند خراسان، ساکنان منطقه زاگرس و یابلوچستان در جمعیت تهران بسیار ناچیز است. همدان و اصفهان بمشابه حاشیه منطقه نفوذ تهران هستند. جمعیت پایتخت از لحاظ منشأ دقیقاً متمرکز شده بر منطقه شمال غرب امپراطوری ایران است . تهران در سیر تحول خود هنوز به مرحله متروپولی نرسیده است که جاذبه و کشش آن واقعاً سراسر مملکت را دربرگیرد .

انبوه مهاجران جدید عموماً به جنوب شهر یعنی به ناحیه ای روی می آورند که به موجب ارزیابی شتابزده ما ، درجه تراکم جمعیت در آن

به مرحله حاد و خطرناکی رسیده است .

خانم ن ... پیرزن تهرانی که در شمال شهر به امر خدمتکاری اشتغال دارد صاحب خانه ای است ساخته شده از آجرخام و مرکب از دو اتاق که بر روی هم قرار دارند و پلکانی طبقه باصطلاح هم کف را به طبقه اول ربط می دهد . قیمت این خانه را در ۱۹۵۷ در حدود ۴ هزار تومان برآورد کرده اند . خانم ن ... با اعضای خانواده اش که مجموعاً سه نفر می شوند در تنها اتاق طبقه اول سکونت دارند ؛ در حالی که اتاق واقع در طبقه هم کف را به يك خانواده پنج نفری به مبلغ ماهیانه ۳۰ تومان به اجاره واگذار کرده اند .

مثالی که در فوق آمد برای نشان دادن شرایط زندگی متوسط در تهران تا حدودی گویاست . تراکم بیش از حد جمعیت در جنوب شهر تا حدود زیادی مولود این واقعیت است که تهران بابلای زاغه نشینی آنچنان که باید آشنا نیست . فقیرترین محلات شهر تهران به صورت دهات ظاهر می شوند. ولی هرگز سیمای جدامی و فلاکت بار شهرهایی را که این همه در اطراف مدیترانه فراوانند بخود نمی گیرند . مردم فقیر تهران همیشه ترجیح داده اند خارج از حد و اندازه در يك اتاق روی هم انباشته شوند تا این که به زاغه هایی پناه برند که گذران حیات در آنها به سبب اقلیم سخت و خشن محلی تحمل ناپذیر است . و اما شاید در بیان این واقعیت بتوان تأثیر رسوم کهن ریشه ایرانی را که همواره به زندگی یکجانشینی و اقامت در خانه های دایمی کشش بیشتری نشان داده است دخالت داد . در حالی که اقوام ترك و عرب با اشتیاق بیشتری به مساکن موقت پناه می برند .

بنابراین ، دو مسأله ، یکی با جنبه ای بهداشتی و دیگری با جنبه ای اجتماعی در جنوب تهران مطرح است. شرایط بهداشتی ، با کمال تعجب کمتر نشانه های يك پاتولوژی ابتدائی را نشان می دهد و بجز برخی امراض

مزمَن که شایع‌ترین آنها آبله‌است بقیه بیماریهای همه‌گیر به‌راه نابودی افتاده‌اند. بیماریهایی که در تهران مشاهده می‌شوند عموماً از گروه بیماریهای اروپائی و از نوع معمولی است. علی‌رغم فقدان آمار دقیق مرگ و میر، مسلم است که مرگ و میر زمستانی آشکارا بیش از مرگ و میر تابستانی است و از این جهت تهران بخلاف هند نزدیک، شباهتی تام با مناطق معتدل پیدا می‌کند. شرایط ناگوار بهداشت عمومی و بخصوص فقدان شبکه فاضل‌آب در ازدیاد مرگ و میر تأثیر آشکاری بر جای نمی‌گذارد. همه آبهای آلوده وارد چاههایی می‌شوند که در طبقات قابل نفوذ، متشکل از قله‌های سنگهای دامنه‌ها، ناپدید و متدرجاً تصفیه می‌گردند. عمق کم این چاهها (تقریباً ۱۰ تا ۲ متر) فضای کافی برای پالایش آب تا حد سفره‌های زیرین، که در شمال به‌طور متوسط در عمق ۸۰ متری و در جنوب لاقلاً در عمق ۳۰ متری قرار دارند، باقی می‌گذارد. هنگامی که يك چاه پر شود کافی است تا چاه دیگری بجای آن حفر گردد. و در نتیجه شهر علائمی از سلامت را نشان می‌دهد. در واقع مسأله اساسی بهداشتی تا حدودی ریشه اجتماعی دارد. در این کشور که سل تقریباً نایاب است این بیماری در تهران خانه کرده‌است و در آنجا به‌صورت يك اپیدمی بسیار وخامت‌بار در آمده‌است. این بیماری که تقریباً از ده سال پیش به تهران رخنه نموده با آهنگ افزایش هندسی روبه‌گسترش دارد.

در این فقر دهشتبار تهران جنوبی و تضاد کوبنده میان دوبخش از جامعه شهری است که بنظر ما باید تناقض اساسی تهران جدید را باز جست. و در این تناقض آشکار است که می‌باید جرثومه يك بیگانگی و خصومت خطرناک را آشکارا دید. بخصوص که با هجوم آذربایجانیها به جنوب شهر و این که این نوآمذگان به‌سختی توسط جامعه شهری پذیرفته می‌شوند بر تضادهای اجتماعی موجود يك تضاد قومی - فرهنگی نیز در

مقیاسی وسیع افزوده می‌گردد. بنابراین موقعیت دور از مرکز تهران در شمال سبب پیدایش مسأله «ملیت‌ها» گردیده‌است که مشکل بتوان به‌حل آن نایل آمد. هنوز بسیار زود است باین اظهار نظر پرداخت که آیا این متروپول جوان در سیر کند تحولی که ایران را از مرحله يك امپراطوری کم و بیش نامتجانس به سوی يك ملت یکپارچه هدایت می‌کند خواهد توانست نقش خود را به‌شایستگی ایفا نماید.

* * *

انقلاب شگفت‌آوری که در چند دهه اخیر تقریباً تمام بقایای تهران قدیم عصر قاجار را درهم نوردیده و بجای يك شهر اسلامی کم و بیش خواب‌آلوده، يك متروپول پرهیاهو با خیابانهای عریض و منظم رویانیده است از لحاظ آهنگ و وسعت پدیده بی‌شبهه در سراسر جهان اسلامی بی‌نظیر بوده‌است. این چنین ماجراجویی در شهرنشینی از بسیاری جهات همسایه فاجعه‌است. بجای شهر کم‌و‌بیش متعادل سابق، غولی عظیم نشست‌است که حربه تهدید در آستین دارد. تهران پایتخت ایران بوده‌ای نیست که در آن اختلاط اقوام مختلف ایرانی با فرجامی خوش حاصل آمده باشد. بلکه این پایتخت بیگانگی و اختلاف را دامن می‌زند و تضادهای زنده رانگی تند می‌بخشد. این امر البته تاوان عادی شهرنشینی در زمان ماست. ولی اثر آن در تهران به‌سبب شرایط ناگوار توزیع آب و وضعیت ناهمواری تشدید گردیده‌است و نتیجه آن يك جدائی اجتماعی و مکانی است و حاصل آن يك نقشه شهری دو جابه بجای يك نقشه متحدالمرکز.

توسعه عادی شهر، که پای درزنجیر مقرر داشته، آن را در راهی دشوار و پرسنگلاخ افکنده است و در جغرافیای شهری جهان کمتر نمونه‌ای می‌شناسیم که جبر طبیعی در آن این چنین نتایجی سنگین و خطیر بیار آورده باشد.

شرح عکسها

عکس I- مساکن استحکاماتی از نوع قلعه در پایکوههای تهران

A- نشانه‌هایی از حصارهای قابل سکونت در يك قلعه قدیمی که دستخوش خرابی است (طرحی از آن در شکل ۳ آمده است). در قسمت جلوی عکس ، فضای شخم خورده، بخش درونی دهکده قدیمی را نشان می‌دهد .

B- ده قلعه‌نو (شکل ۳ ، شرق پلیشت) و منظره داخلی حصارهای قابل سکونت . بام‌ها چیلگی گنبدی شکل هستند . در قسمت جلوی عکس ، درست راست، فضولات خشک شده دام‌ها دیده می‌شود که بصرف‌سویخت زمستانی می‌رسد .

C- منظره دیگری از قلعه‌نو . ایجاد بخش نوساز در داخل حصار قابل سکونت ، بخصوص در قسمت عقب عکس ، ناشی از افزایش شدید جمعیت در دوران معاصر است. در منتهی‌الیه سمت راست عکس در برگردم مخصوص دام‌ها قرار دارد . در قسمت جلو بازفضولات حیوانات انباشته شده‌اند .

D- منظره خارجی ده قلعه‌نو . در قسمت چپ ، بخش قدیمی حصار را که بلندتر است با پرچمائی در زوایای می‌توان بازشناخت . بخش پست سمت راست اختصاص به دام‌ها دارد که به سبب گسترش اماکن مسکونی در داخل قلعه ، بناچار به خارج رانده شده‌اند . ارتفاع کم دیوارها را می‌توان مولود بازگشت نسبی امنیت دانست .

عکس II - سرزمین لاریجان

A - اراضی ریبه ؛ لکه‌های تیره گیاهانی هستند که در طبقاتی متشکل از خاکسترها و جوشنگ‌های آتشفشانی روئیده‌اند . دره هراز در پشت کوهپایی که در قسمت عقب عکس قرار دارند ازدیده پنهان می‌شود .

B - اراضی کلاسی بر کرانه راست رودخانه هراز . این اراضی بصورت پادگانه‌هایی است بر روی تشکیلاتی از خاکسترهای آتشفشانی (توف) و جوشنگ‌هایی که سخت دستخوش فرسایش گردیده‌اند .

عکس III - مناظر کشت در لاریجان

A - کشت آبی در ریبه ؛ کشتزارها در پای دهکده‌ها بصورت ایوانهایی در توفهای آتشفشانی احداث گردیده‌اند . فقدان برچین منظم در این اراضی که مداوماً بزرگشت می‌روند قابل توجه است .

B - ریبه و دیبه‌زارهایش . کشت برمدار گردش دوساله است . دیوارهای سنگی و فضاهای کوچک محصوری که به کشت اختصاص یافته‌اند جلب توجه می‌کنند . این امر ناشی از این ضرورت است که اراضی تحت آیش عموماً مورد استفاده دام‌ها قرار می‌گیرند . در قسمت جلوه ده با خانه‌هایش دیده می‌شود . بام خانه‌ها اکثر اوقات مسطح است . با این همه در معدودی موارد بام خانه‌ها اندکی شیب دارد .

عکس IV - ده‌نشینی کوهستانی در لاریجان

A - کوهستان ریبه . بدنه مساکن موقت را با سنگچین بالامی‌برند و بهنگام اقامت تابستانی روی آنرا با چادرسیاهی می‌پوشانند .

B - ارتفاعات دامدار در اسك : منظره عمومی، عقب يك فروفتگی را در تشکیلات اندزیت نشان می‌دهد . محل نگاهداری حیوانات در تهره محصور گردیده است .

عکس V - وضع خانه‌ها در لاریجان

A - خانه کشاورزی است که زمستانها را در کوههای اسك می‌گذرانند . عکس نمای عقب خانه را نشان می‌دهد . مدخل انبار در سمت چپ و طویله ، که نیمی از آن در زیرزمین تعبیه گردیده ، در سمت راست دیده می‌شوند . علوفه فراوان زمستانه را در همین بخش خلفی انبار کرده‌اند (عکس در اواخر شهریورماه برداشته شده است) . نمای اصلی و محل ورود به خانه در طرفه مقابل و همسطح با زمین قرار دارد .

B - ریبه . خانه مهاجرانی که زمستان را رهسپار سواحل دریای مازندران می‌شوند . خانه ، کوچک و بسیار ساده ولی خوش‌منظر (ظرافتی که در ساختمان درها بکاررفته جاب‌نظر می‌کند) ولی فاقد هرگونه ضمایم خاص زندگی روستایی است .

عکس IV - آغله‌های زیرزمینی

A - محله طویله‌های زیرزمینی در ریبه واقع در قسمت رسوبی دهکده .

B - محله طویله‌های زیرزمینی زمستانی در نیاك .

عکس VII - چادرنشینیان دماوند

A - قرارگاه چادرنشینیان در پایکوههای تیران . اعضای خانواده به دشت بازگشته‌اند ولی دام‌ها هنوز مقیم ارتفاعاتند .

B - عکسی از حوالی پلور . مالك عمده احتشام (که او را در وسط عکس با کلاهی که بر سر دارد می‌توان شناخت) قبیل از فرود دامها به دشت با شبانان خود به تسویه حساب مشغول است .

عکس VIII— مناظر روستائی در ملتقای منطقه بیرون بشم و کلاردشت

A و B— اراضی سنگسرك . مزارع محصور آرزن (بصورت لکه‌های سفید) که هنوز تا اوایل مهرماه درونشده‌اند، میان «مزارع باز» غلات زمستانی خودنمائی می‌کنند. کشتزارهای غلات که به‌تازگی درو شده‌اند وزمستان را درآیش خواهند بود در قسمت جلوی عکس باوجود «کوپا»ها مشخص می‌گردند . درعکس طرحی از نوعی بوکازهای کوچک (مزارع محصور) ، مرکب از برجین‌های غیرممتد که کشتزارهای غلات زمستانی را دربر گرفته‌اند مشاهده می‌گردد .

عکس IX مناظری از مظاهر زندگی و مساکین در رودبارك

A— دهکده رودبارك و اراضی آن . در قسمت جلوی عکس «کوپا» دیده می‌شود. پسرقت جنگل درپوی نخستین دامنه‌ها جلب توجه می‌کند .
B— رودبارك : خانه‌هایی ازچوب که روی آن‌را باگل اندود کرده‌اند .
C— خارجی‌ها : فرارگاه افشارها درمحل خروجی ده .
D— خارجی‌ها : قاطرانان طالقانی در کوره‌راهی که بهسواحل دریای مازندوان منتهی می‌شود .

عکس X— بریر، کوهستان بزرگ دامدار در تخت سلیمان

A— منظره عمومی منطقه . در مرکز عکس ساختمانها از زمینهای سنگلاخی اطراف به آسانی تمیز داده نمی‌شوند. پوشش نباتی دستخوش انحطاط است ربوته‌های خردار درمنطقه ظاهر می‌گردند .
B— دوشیدن بزها در ارتفاعات بریر .

عکس XI— بروز انحطاط در جنگلها

A— جنگلها در حدنهایی خود در ارتفاعات ۲۰۰۰ - ۲۲۰۰ متری قرائنی از انحطاط کلین را نشان می‌دهند .
B— کوبه زغال‌پزی در دره سرداب رود .

عکس XII— تهران : مناظری از شمال شهر

A— محله خیابان تخت جیشید . در قسمت جنوی عکس دکانهای کوچکی که جزئی از يك كانونه تجاری واقع در حول وحوش چهارراه هستند دیده می‌شوند و در قسمت عقب منازل طبقات متمکن بچشم می‌خورند .
B— منظره دیگری از خیابان تخت جیشید . عکس روبه‌شمال برداشته شده و در متن افق کوههای البرز قرار دارند . منازل بوژووانی ، با باغچه‌ای در برابر هر يك، مشخصه این بخش مسکونی است .

عکس XIII— تهران : مناظری از مراکز بازرگانی

A— خیابان فردوسی ، کانون تجاری جدید . بناها جلگی دو طبقه‌اند .
B— فضای داخلی يك تیمچه در بازار تهران .

عکس XIV— تهران : مناظری از جنوب شهر

A— خیابان بزرگ ، جزئی از شطرنجی رضاشاهی است . دکانیا مرکز انواع دست‌و‌زبیا هستند . در قسمت چپ عکس در کنار خیابان ، «جوب» سر بزآب دیده می‌شود .
B— يك کوجه در جنوب شهر که در واقع جزئی از يك محله مسکونی است . جوب آب در سمت راست عکس قرار دارد .

عکس XV— تهران : ناحیه کوره‌های آجرپزی

A و B— جنگلی از دودکش کوره‌پزخانه‌ها در جنوب تهران . درعکس A نفوذ مناطق مسکونی به منطقه فعالیت کوره‌ها و درعکس B متروک ماندن وسیع بخشی از این فعالیتها جلب نظر می‌کنند .

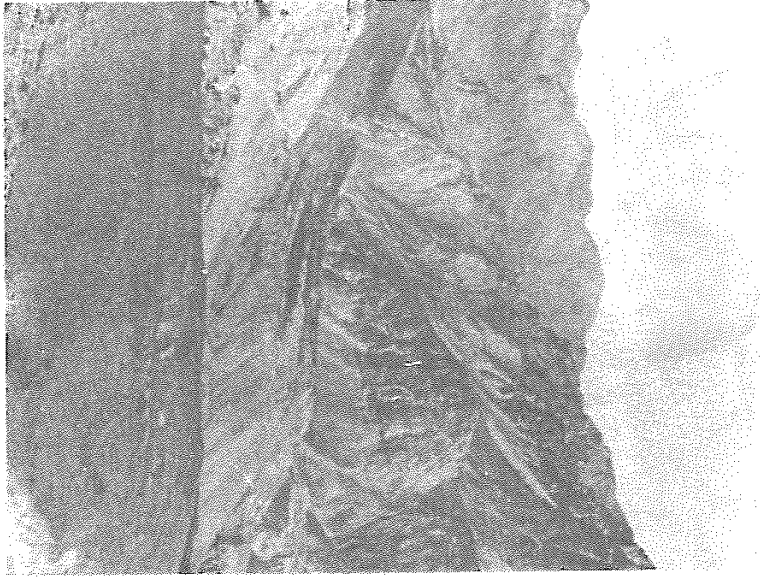
عکس XVI— تهران : واحدهای جدید شهری

A— چهارصد دستگاه .

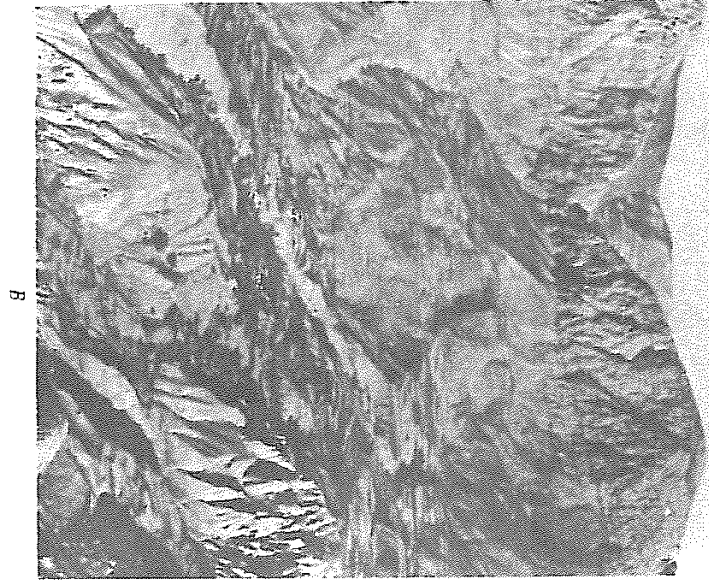
B— کوی نارمک .

C و D— تهران پارس . خیابانهای پرت و دورافتاده طرحی از شهرک آینده را در نظر مجسم می‌کنند .

A

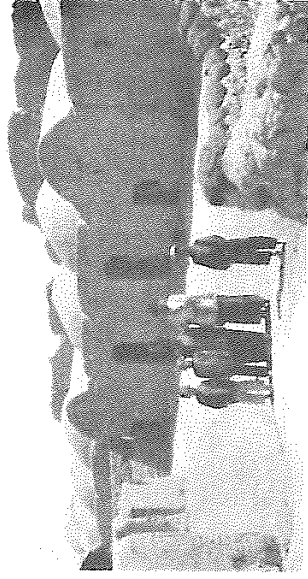


— ۲۲ —

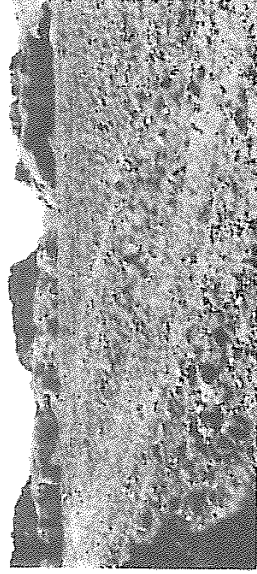


B

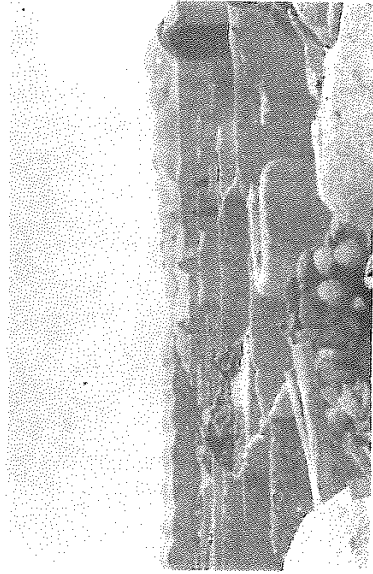
عکس I



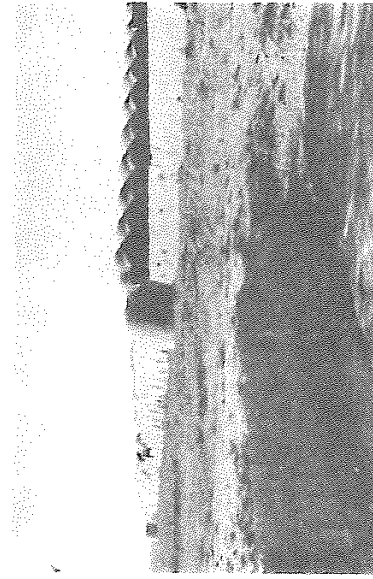
B



A



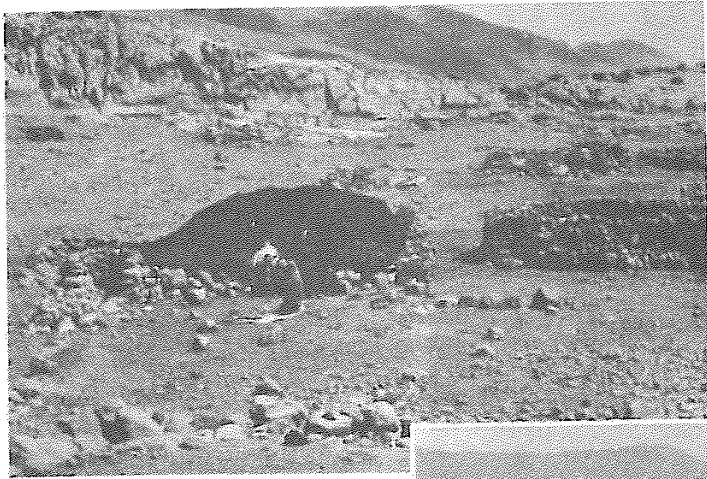
C



D

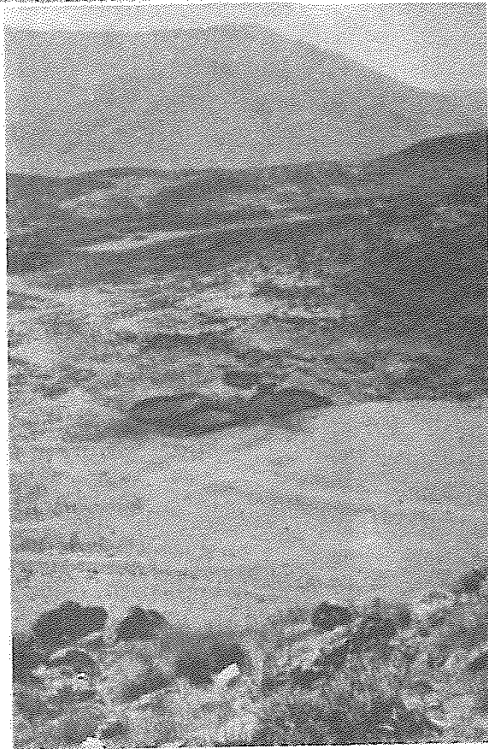
مساکن استحکاماتی از نوع قلعه درپای کوههای تهران

عکس IV



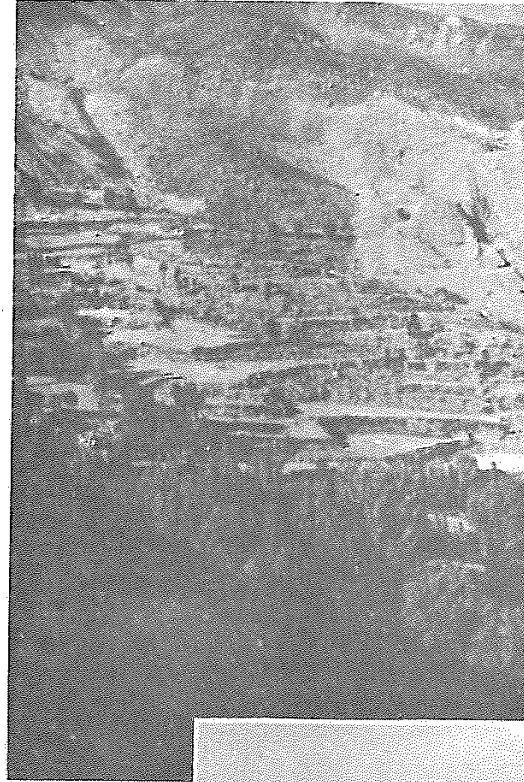
A

ده نشینی کوهستانی درلاریجان



B

شکل III



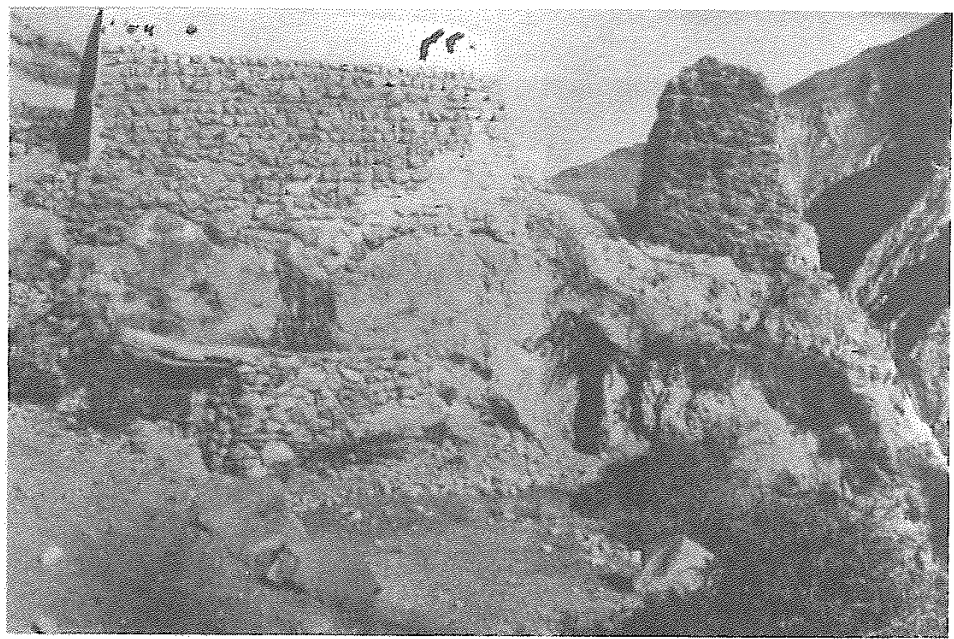
A

مناظر کشت درلاریجان

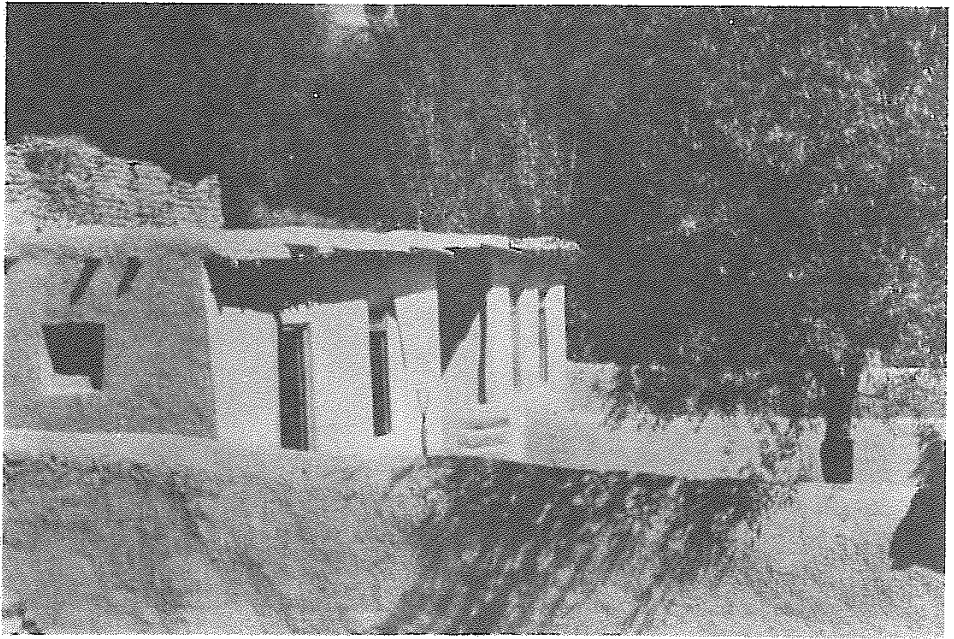


B

عکس ۷



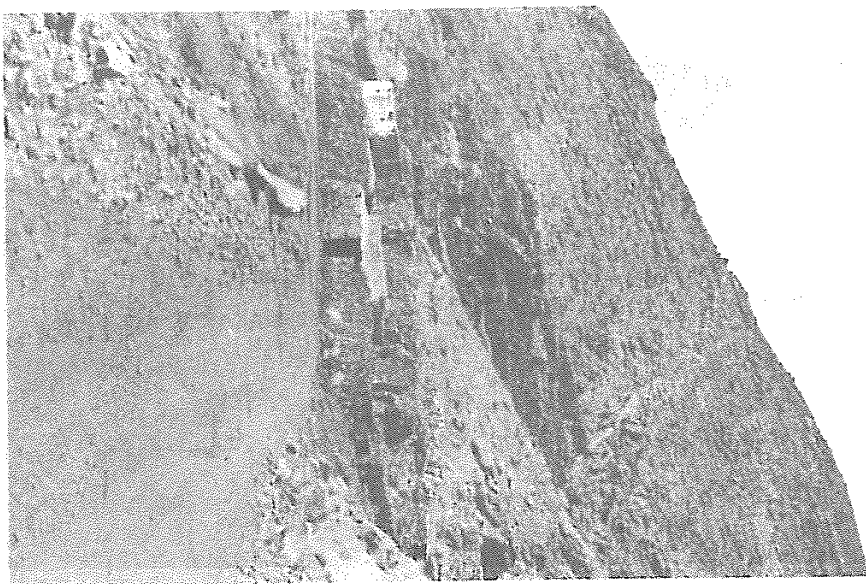
A



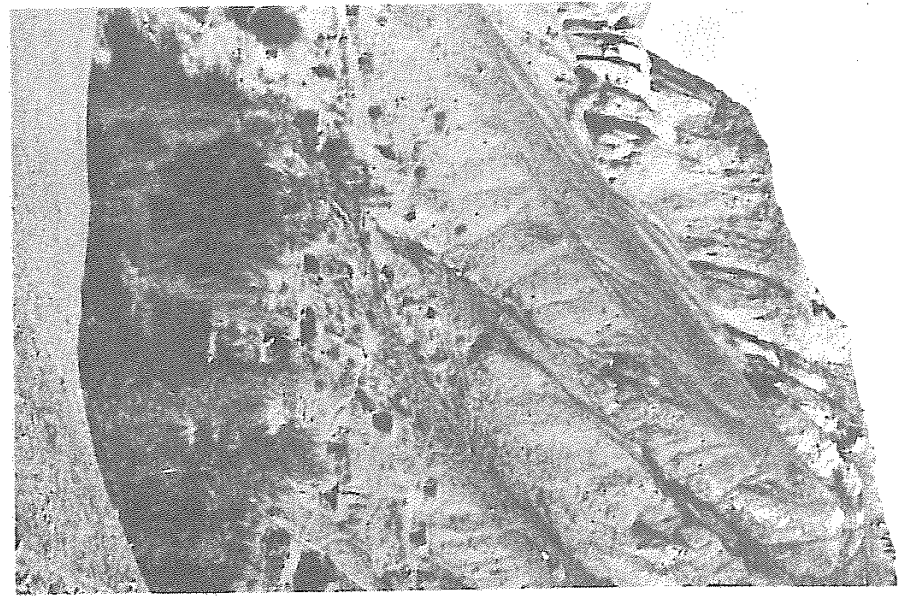
B

وضع خانه‌ها در لاجان

عکس VI



A



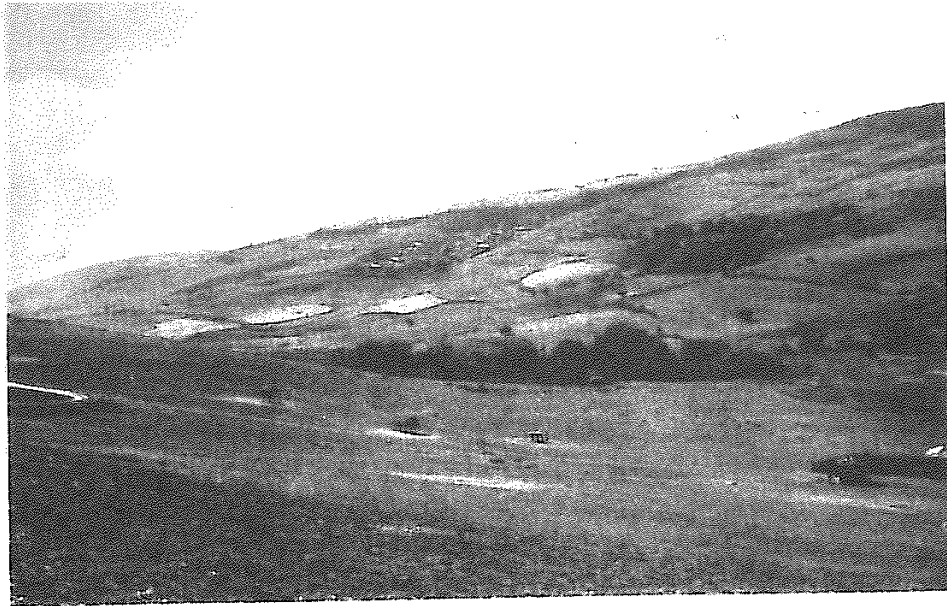
B

طریقه‌های زیرزمینی

عکس VIII



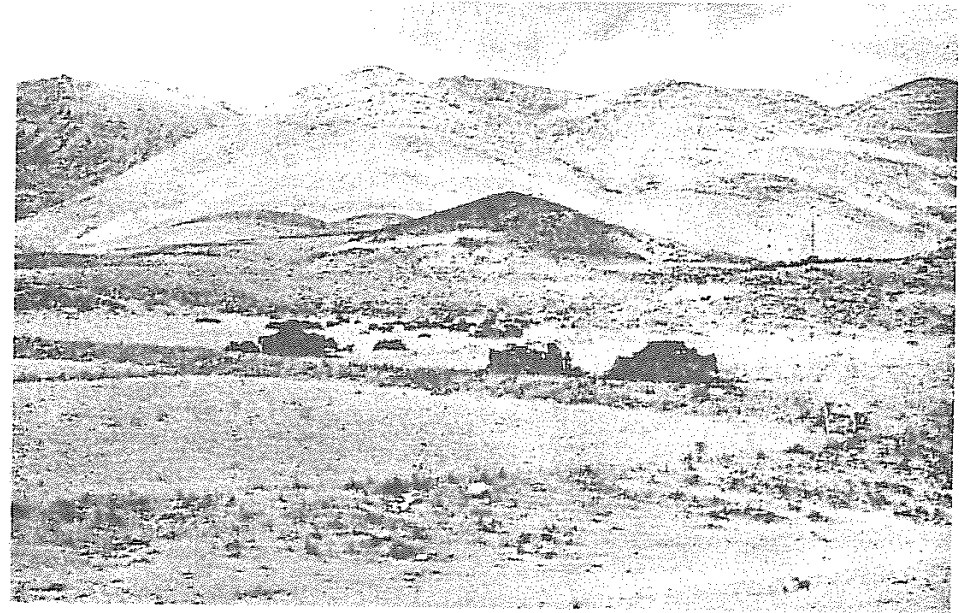
A



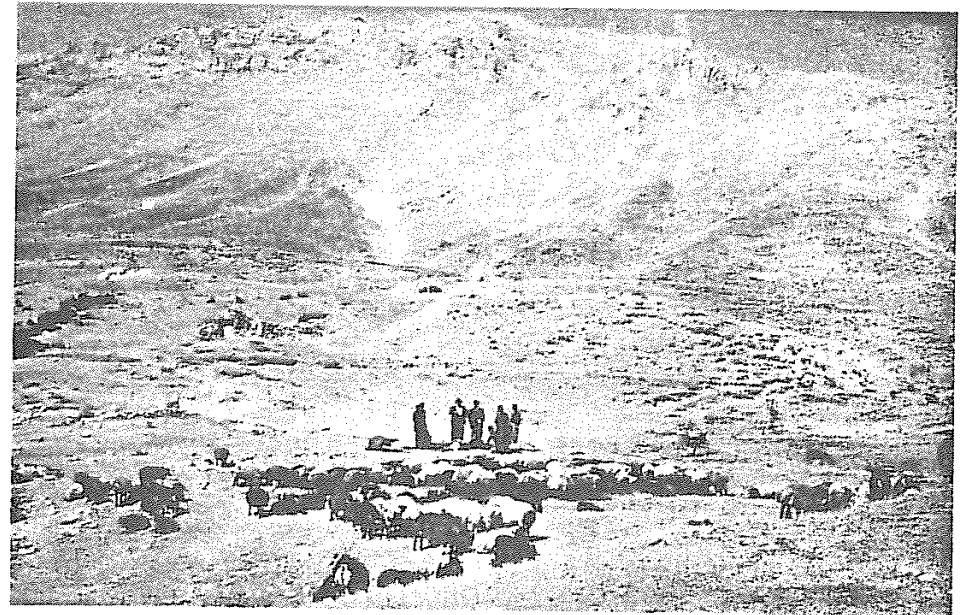
B

منظره روستائی در ملتقای منطقه بیرون بشم و کلاردشت

عکس VII



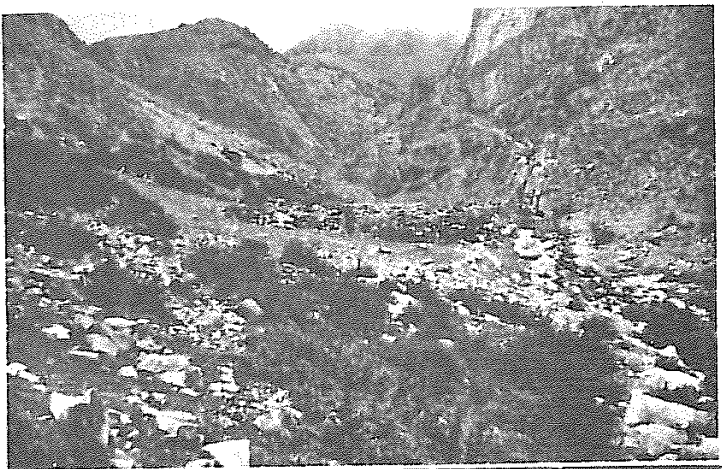
A



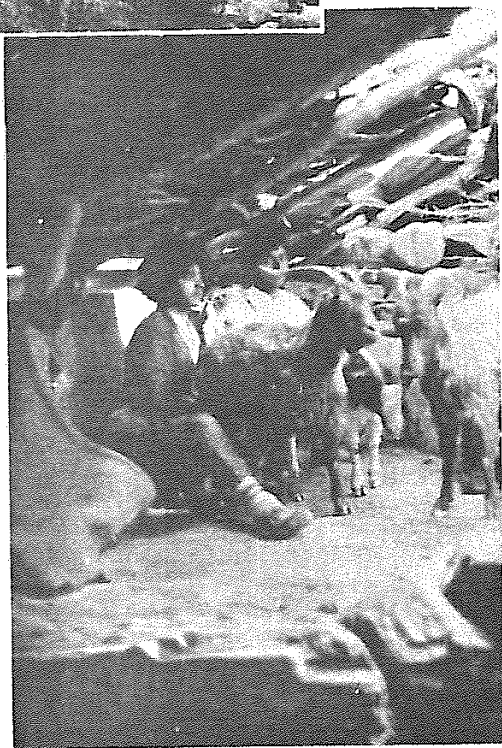
B

چادر نشینان دماوند

عکس X



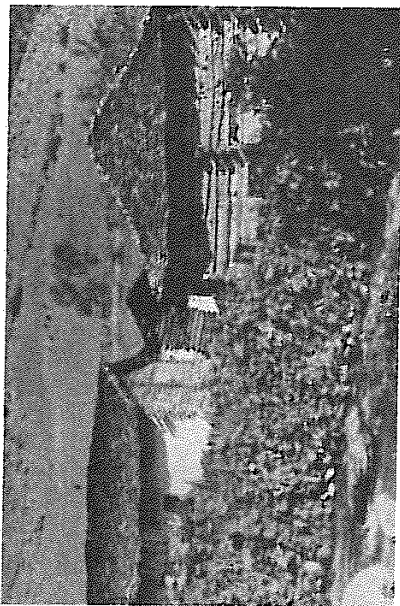
A



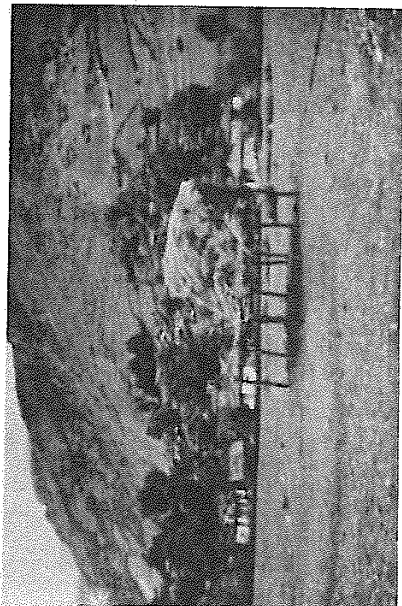
B

بربر، کوهستان بزرگ دامدار
درتخت سلیمان

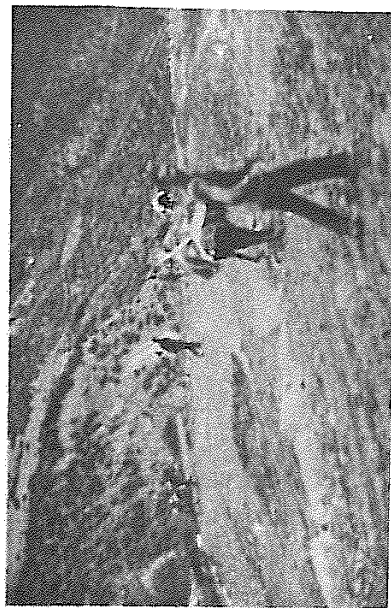
عکس IX



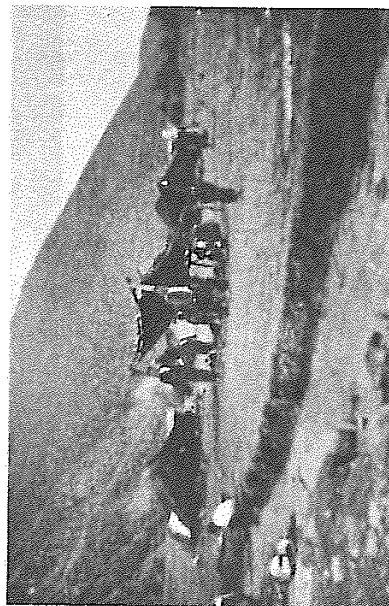
B



A



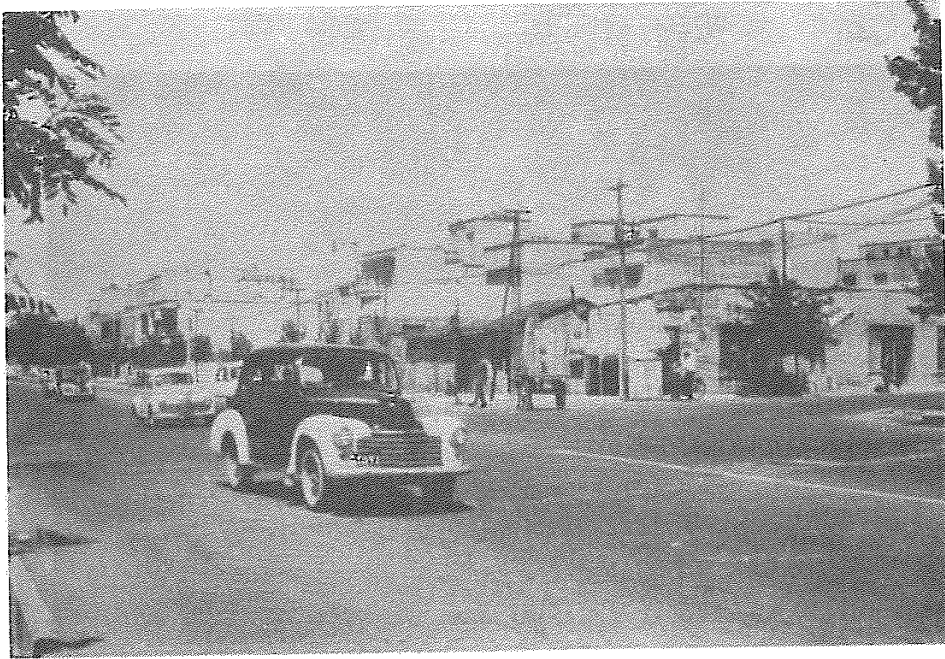
D



C

مناظری از مظاهر زندگی و مسکن در رودبارک

عکس XII

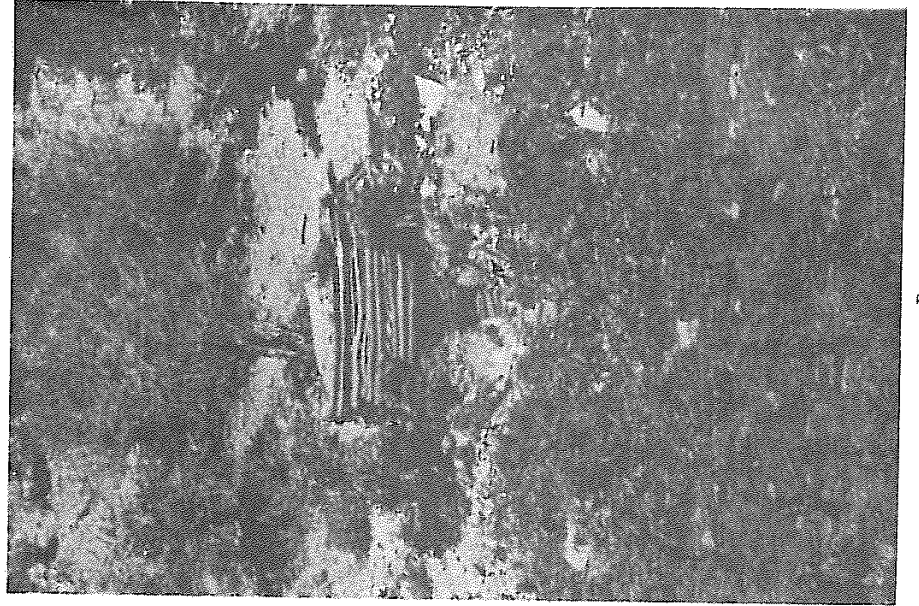


A



ساکنین در محله

عکس XI



B

سورز انعطاف در جنگال ها



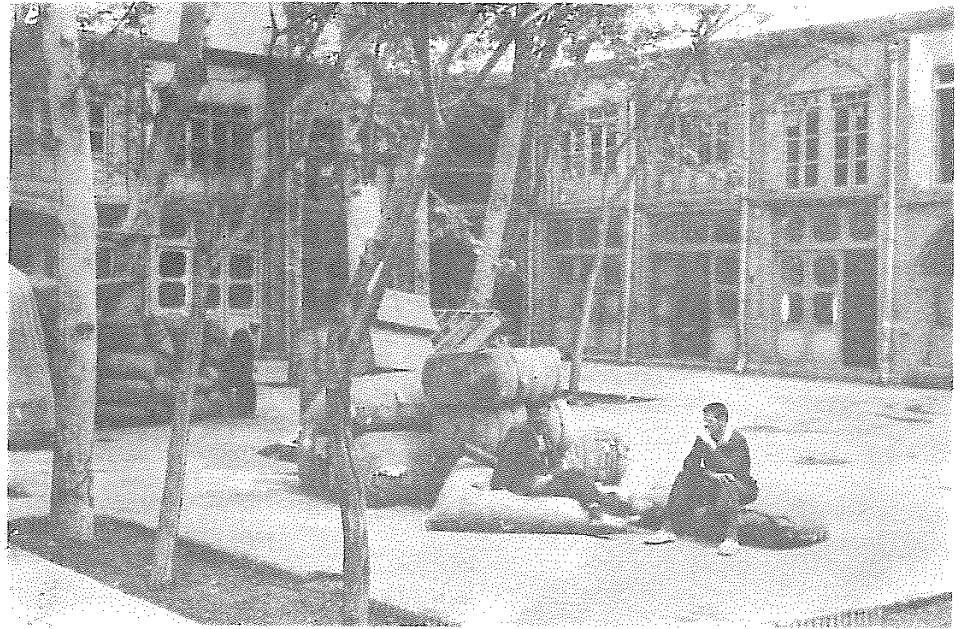
A

عکس XIII

۱۳۳۰/۱۳۳۱



A



B

تهران : منظره‌ای از مراکز بازرگانه.

عکس XIV



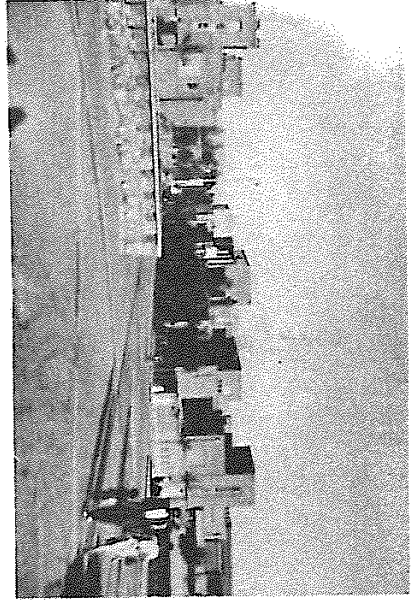
A

تهران : منظره‌ای از جنوب شهر

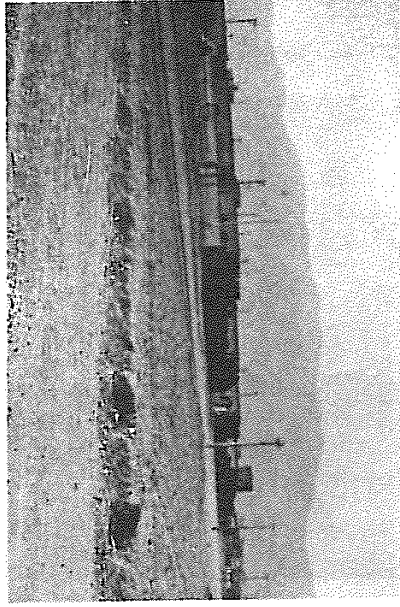


B

عکس XVI



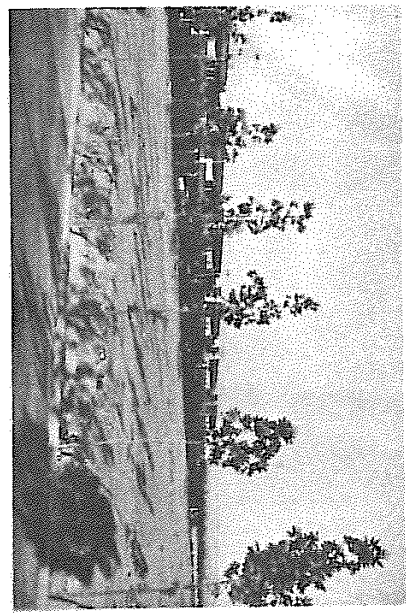
A



B



C

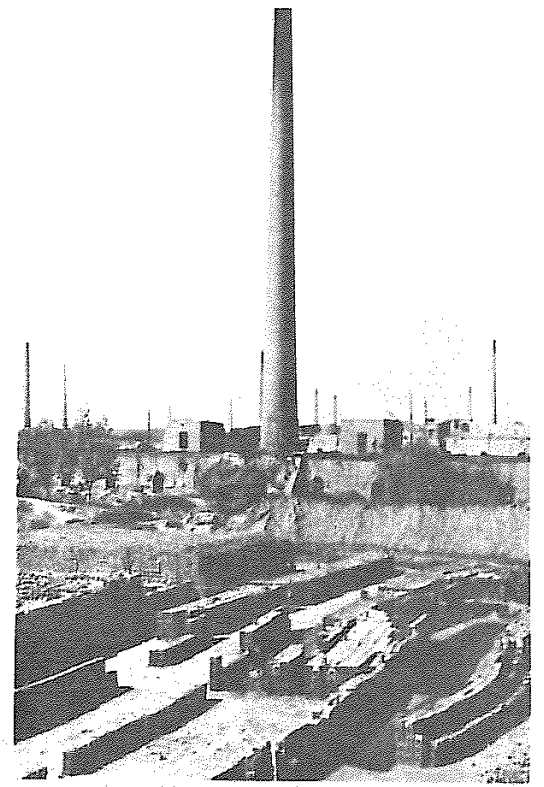


D

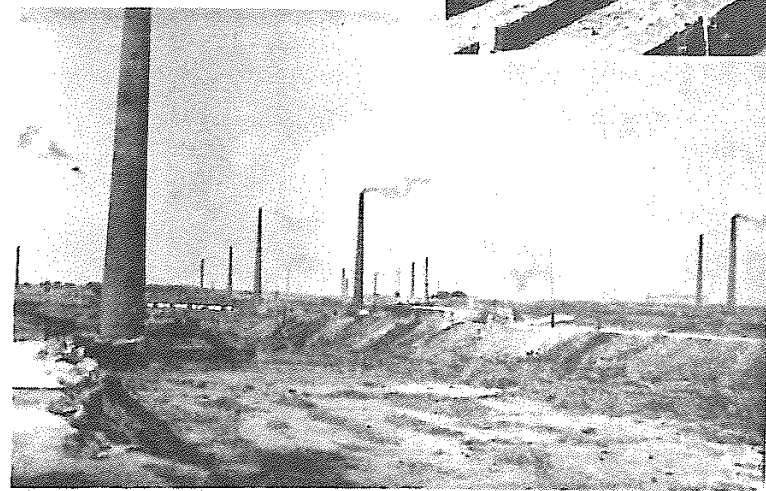
تهران : واحدهای جدید شهری

عکس XV

تهران : کوره های آجرپزی



A



B



Université de Mashhad

X. DE PLANHOL
**RECHERCHES SUR
LA GEOGRAPHIE
HUMAINE DE L'IRAN SEPTENTRIONAL**

Traduit du Français

par :

Cyrūs Sahāmi

Maître de Conférence à la Faculté

des Lettres et Sciences Humaines

Juillet 1979